

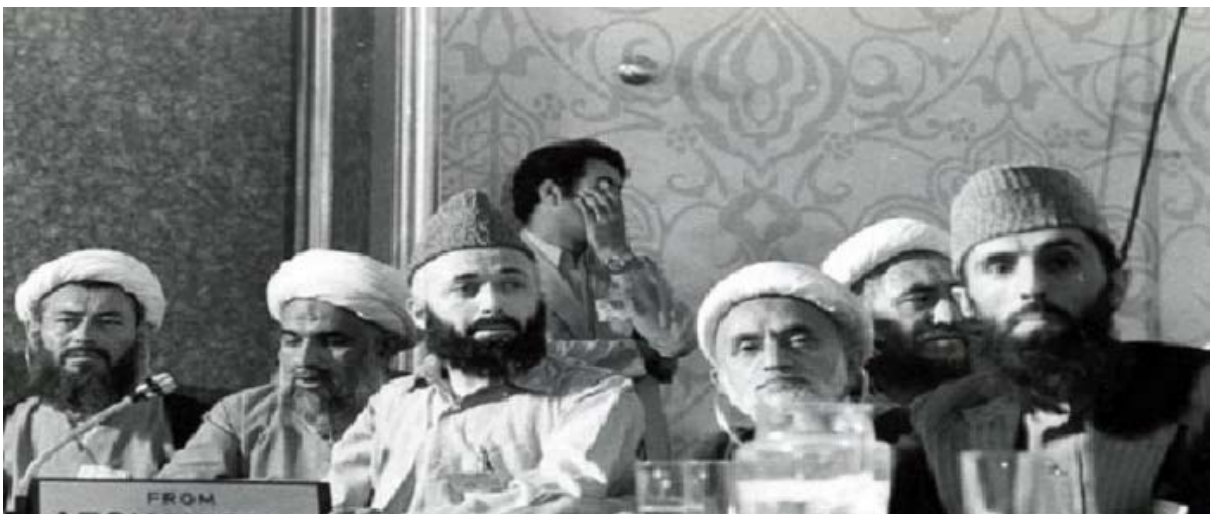
حکایت همچنان باقیست!!

مبانی تیوریک و تاریخی خشونت!



پیوسته گذشته: بخش یکصدوسی و چهارم

قبل از این درباره ء بازی های استخباراتی جهان حاضر در صحنه کشور ما افغانستان و ناظر بر تمامی شوون حیات ملی و تاریخی مردم افغانستان سخن گفتیم ، و گفتیم که چگونه است که تا هوابهاری شد از خواب زمستانی عافیت گویان برخاستند و جبهه نبرد دموکراتیک شبه مذهبی را درست کردند . نباید تعجب کرد که چرا در این هنگامی که افغانستان از سوئی به عنوان بزرگترین پایگاه فکری جنگهای خانمانسوزی در قرن حاضر شناخته شده و همه نیروهای که برای رسیدن به اهداف اجتماعی و سیاسی خویش از گرایش های گوناگونه و متفاوت باهم به مثابه بستر فکری و ایدئولوژیک استفاده مینمودند با همه شعارهای ایدئولوژیک نه تنها پشت کردند بلکه در طی پانزده سال نسبت به تمامی ارزشهای متعالی و انسانی ای که زمانی موجب شده بود تا معرکه های بزرگ و خونینی را که در مسیر تحقق آن اندیشه ها بر اه انداخته بودند نفرت ایجاد نموده و آنرا توجیه شرعی نمایند .



این سوال ها در ذهن عامی ترین افراد این جامعه نیز مطرح شده که وقتی میبینند گرگان و گوسفندان در کنار هم و از دجله ای* از بیگانه گان یکسان سیراب میگردند چرا این متاع آلوده برز هرامتیازات را به قیمت خون میلیونها انسان افغانستان بویژه در این عصر گلوبال بدست آوردند ؟ چرا برای حذف مخالفان اندیشه و تفکر با شیوه های پلید لجن مالی و حق کشیهای مرسوم که با خرید چند فتوای تکفیر و برپا ساختن چند منبر تفسیق توأم با انتشار چند شایعه ء مجعول اتهام و افترا متصل می گشتند و هنوز هم میگردند ؟ چنانچه مردان آزاد اندیشی چون فیلسوف نامور اما خانه بدوش افغانستان سید جمال الدین افغان را عامل کلیسا ، مأمور کفار و دشمن دین معرفی میکردند ، به باور من این فتوی فروشان و منبر یان سفارشی کم خرد تر از آن اند که بدانند امروز و در قرن بیست و یکم یک "حقیقت" را چگونه باید گشت ؟ و چهره یک حقیقت را چگونه در افکار مردم وارونه جلوه داد و باطل نمود و

نالائقترازان اند که بتوانند اندیشه های خویش را که از نظر آنها " تنها راه حل جامعه و ملتها " نامیده میشوند اما نیاز به پالایش زمانی و مکانی دارند به عنوان راه حل علمی و عقلانی برای نیاز های بشر امروزی به اثبات برسانند ، بهترین نمونه اش حضور تشکیلاتی و سیاسی بزرگترین سازمانها و نهضت های اعم از دینی و غیردینی در افغانستان بودند و هنوز هم هستند که مغائر با پایه های اعتقادی آنها در زیر چتر نظام کنونی حاکم بر سرنوشت افغانستان قرار گرفته و در خط اول توجیه و تفسیر عمومی استراتژیی لحاف چهل تکه مانند نظام فاسد مافیائی کنونی جا گرفته اند . البته یکی از پوچ ترین منطقی که اکثریتی از فعالان روشنفکر جامعه افغانی را بر آن مشغول ساخته این است که در قرن بیست و یکم و در عصر حاضر برخی از راه بلدان بومی و افغان تبار خارجی میزهای مدور و گاهی هم صحن سیمینار های کارشناسانه را با بحث روی این مفهوم و این پرسش حقوقی که آیا افغانستان اشغال هست یا خیر ؟ گرم نگاه میدارند . در چنین فضای تاروتاریک " سیأ " سی کاملاً طبیعی است که برخی از دلایان فرصت طلب وقتی وضعیت کنونی جامعه افغانی را با پارامترهای کلاسیک بویژه معیار های حقوقی مناسبات بین المللی در قرن بیستم اندازه گیری میکنند خروج نیروهای بیگانه از افغانستان را در فهرست خواسته ها و مطالبات اولیه خویش قرار دهند . زیرا مرغ این طائفه یک لنگ دارد و نه میداند که ماهیت یک جنایت که با وسائل اجرای آن نیز ارتباط مستقیمی دارد چگونه باید نگریسته شود ؟ برخلاف این دلایان کلاسیک بازار مکاره سیاسی ، عده ای از رقیبان عنعنوی آنها که در مقطعی از تاریخ از دساتیر فکری واحدی پیروی میکردند و اکنون نیز که با گذشت پانزده سال از " عمر مبارکه " نظام بوقلمون حاکم بر سرنوشت افغانستان سپری میشود و مبانی فکری و اعتقادی خویش را بصورت بنیادگرایانه و سرعُج با احترام به قرئت حاکم از مذهب که همانا باور بالقوه بر گفتمان خشونت و استبداد است در قلب خویش می پروراندند . هرگاه لازم افتید از آن قرئت به مثابه شمشیرخونین استفاده نمایند . چنانچه استاد عبدالرسول سیاف از رهبران ارشد مجاهدین و یکی از حامیان و ستون های سراپاقرص م نظام کنونی در هفته شهید و بزرگداشت از جایگاه احمد شاه مسعود یکی از بزرگترین قهرمانان مقاومت که گفته میشوند در به شهادت رساندن آن قهرمان سلحشور شخص حضرت استاد نیز دست داشت ، وقتی به دلیل عدم دریافت پاسخ به نیازمندی های بشر امروزی به منبر میروند در حوزه امنیتی راه حل شریعت اسلامی را چنین بیان فرمود :

https://www.youtube.com/watch?v=o7zEd2mF_dY

ببینید عزیزان ! این استاد علوم شرعی که سند فوق لسانس اش را از الازهر یکی از بزرگترین و نامدارترین پوهنتون های جهان اسلام در رشته احادیث بدست آورده است و از سهامداران بزرگ شرکت شبه دولتی موسوم به " **دولت وحدت ملی افغانستان** " به شمار میروند چگونه دین مقدس اسلام را تحریف و مسح مینمایند ؟ مخالفین را دشمنان خدا و واجب القتل می شمارند و برای این مأمول نیز به **آیه ۳۳** سوره مبارکه المائده متوصل میشود . وقتی مخالفان اش را در آئینه این آیه معاندان با خدا میدانند و قتل آنها را به اثبات رساند این روحانی شمشیر بدست تنها به قتل مخالفان اکتفا نه میکند بلکه با استناد به همین **آیه ۳۳** سوره مبارکه المائده به نمائنده گی از پروردگار سخن می گوید میفرماید که خدانه میگوید تنها بکشید بلکه خدا امر میکند که اینها را خوب بکشید ... **معنای خوب کشتن را میدانید یانه ؟ که خدا میفرماید به زجر بکشید !! خوب به دار بزنید شان یعنی بانید که یکماه مردم سیل اش را کند .. خوب دست راست و پای چپ اش را قطع کنید و خوب از روی زمین گم شان کنید ..** این یکی از قرئت های حاکم و بنیاد گرای است که از صدها سال بدینسو بر همه جهان اسلام در حوزه شریعت اسلامی حاکم بوده است . بدون شک تعارض آمیز بودن این گفتمان یا " روش تفهم " فقهی آن با مؤلفه های حقوق بشر ، بویژه در حوزه حقوق زن و آزادی بیان و غیره با نظام شبه دموکراسی حاکم ما و تمامی روشنفکران جامعه را مؤظف میسازد تا آنچه که حقیقت دین نامیده میشود با توجه به شرائط

هرجامعه و در هر مقطعی از تاریخ فرآیند اصل " **اجتهد** " را به عنوان نقشه راه هر جامعه و هر نسل احیا سازیم .



البته باید گفت این پروژۀ خشونت در زیر سقف نظام دموکراسی ، آزادی بیان و حقوق زن بر شهید فرخنده شهید راه عدالت و آزادی وقتی مطابق با برنامه دسته های از مجاهد نمایان بروز روشن و در سه کیلومتری ارگ انجام یافت و آقای محمد ایاز نیازی یکی دیگری از روحانیون و شوالیه های مذهبی که وی نیز خود را از درس خوانده های اظهر شریف قاهره !! مینامند پس از بازداشت برخی از اعتشاشیون حادثه دردناک ضمن هوشدار به مقامات حکومتی گفت :

<https://www.youtube.com/watch?v=OsyOKSIA2XA>

این تنها آقایون سیاف و نیازی نیستند که فتوای قتل بی گناهان را صادر میکنند بلکه همین آقای گلبدین حکمتیار نیز که اخیراً با رژیم مافیائی پیوسته است از همین گفتمان و قرئت پیروی می کند . در واقع آنچه که امروز در جامعه خود میبینیم محصول خالص فقه سنتی نیست بلکه بازتولید فقه سنتی در چهارچوب بنیاد گرائی مذهبی است . باتوجه به اینکه ما در یک وضع گذار حقوقی و سیاسی قرار داریم و در شرایط کنونی فقه حاکم بر سرنوشت مردم افغانستان با دو شکاف عمده مواجه است اولاً فقه و بطور کلی قرئت دینی موروثی ، موروثی قرئتی است که در " **دوران ماقبل مدرن** " ساماندهی شده است در حالیکه ما امروز در جهان مدرن زندگی میکنیم ، تا زمانی که نتوانیم این دوشکاف را با نقشه عقلانی و علمی پُر کنیم و به نحوی میان دو قرئت ما قبل مدرن و شرائط مدرنیته حاضر پُلی بزنیم این وضعیت ادامه خواهند داشت .



*: **بجله رودی** است که از دامنه های جنوبی رشته کوه توروس در شرق ترکیه سرچشمه میگیرد پس از ورود به کشور عراق از میان شهرهای بزرگی چون بغداد و موصل عبور کرده به فرات و سرانجام هر دو به کارون می پیوندد